
نویسنده: بلا ایزی ملی «Blaise Malley» .
منبع و تاریخ نشر: ریسپونسیبل ستیت گرفت «2024-09-02»
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .



چگونه هانس بلیکس غزه و اوکراین را در «وداع با جنگ‌ها» قرار می‌دهد

How Hans Blix fits Gaza and Ukraine into

وداع با جنگ‌ها

'A Farewell to Wars'

علیرغم درگیری‌های شدید، کتابی که اخیراً از دیپلمات سابق سازمان
ملل منتشر شده است، جامعه را به دور از خشونت می‌بیند

*Despite the raging conflicts, a recent book from the former
UN diplomat sees society evolving away from violence*

جو بایدن را در بر گرفته است در خطر تشدید قرار دارد. اوکراین در هفته های اخیر جنگ را وارد روسیه کرده است و واشنگتن همچنان به تدریج محدودیت های خود را در مورد نحوه استفاده کیف از تسلیحات آمریکایی لغو می کند. در همین حال، به نظر می رسد تلاش ها برای دستیابی به آتش بس در غزه به بن بست رسیده است و خطرات جنگ منطقه ای گسترده تر همچنان حاد است.

در این زمینه، دیپلمات **سوئدی هانس بلیکس** کتابی با عنوان «وداع با جنگ ها: محدودیت های رو به رشد در استفا ده بین دولتی از زور» منتشر کرد که استدلال می کند تعدادی از عوامل، از جمله ترس از جنگ هسته ای، بیزاری فزاینده عمومی از درگیری های مسلحانه، و افزایش وابستگی متقابل اقتصادی، احتمال وقوع جنگ های بزرگ بین دولتی در آینده را تا حد زیادی کاهش می دهد. **بلیکس** به عنوان رئیس مأموریت بازرسی سازمان ملل در عراق (UNMOVIC) از اواخر نوامبر 2002 تا قبل از حمله ایالات متحده به این کشور در 20 مارس 2003 شهرت بین المللی به دست آورد. عراق سلاح های کشتار جمعی را در اختیار داشت یا در حال توسعه بود.

ماه گذشته، **RS** (ریسپونسیبل ستیت یا Responsible state) با بلیکس، که اکنون 96 ساله است، در مورد چگونگی توسعه پایان نامه کتاب و اینکه آیا رویدادهای اروپای شرقی و خاورمیانه در ماه های پس از انتشار آن به هیچ وجه بر تحلیل او تأثیر گذاشته است، مصاحبه کرد. گفتگوی کامل در زیر آمده است:

RS: با توجه به سال ها جنگ وحشیانه و ویرانگر در اوکراین، حمله حماس به اسرائیل و نابودی غزه توسط اسرائیل، آیا نوشتن "وداع با جنگ ها" تحریک آمیز نیست؟

BLIX: البته من چشمانم را در برابر این جنگ های خونین نمی بندم، و نه روی فصل بزرگ وحشتناک جنگ های داخلی که خارج از حوزه تحقیق من است. تهاجم روسیه به اوکراین، نقض آشکار قوانینی است که خود روسیه و سایر کشورهای جهان با پذیرش منشور سازمان ملل متحد به آن متعهد شده اند. من از ادامه کمک های گسترده ای که به اوکراین داده می شود، حمایت می کنم. من این کار را به دلیل ترس از طرح های روسیه علیه اروپا نیست، بلکه به این دلیل انجام میدهم که ما باید به پایان دادن یا به حداقل رساندن نفوذی که نظم حقوقی مشترک تعیین شده در منشور سازمان ملل را نقض می کند، کمک کنیم.

با این حال، با اتخاذ دیدگاه بلند مدت و شناسایی محدودیت های فزاینده علیه جنگ بین دولتی، اقدام روسیه را پایان دادن به این تکامل نمی دانم، بلکه آن را یک انحراف و انحراف فاجعه بار از آن می دانم. من معتقدم آنچه در نظر گرفته شده بود جنگ نبود، بلکه مداخله ای سریع برای دستیابی به تغییر رژیم از طریق یک "عملیات نظامی ویژه" محدود، یک کریمه 2 بود. شکست خورد، زیرا بر اساس اطلاعات اشتباه و عدم درک

اکثریت قریب به اتفاق بود. اوکراینی ها خواهان استقلال و ادامه رهایی از روسیه و نظام اقتصادی و سیاسی روسیه بودند

RS: آیا مطمئن هستید که "انحرافات" دیگری وجود نخواهد داشت؟

BLIX: موارد جنگ عراق در سال 2003 و حمله به اوکراین در سال 2022 باید هشدار می‌دهد در برابر اقدامات غیرانتقادی آینده بر اساس اطلاعات باشد. غرور آسیب دیده از یک سو و غرور از سوی دیگر ممکن است انگیزه‌ای برای استفاده از زور باشند، اما، همانطور که نشان می‌دهد، عوامل قوی مهار رشد کرده اند و حتی در این دوره تاریک امیدوارکننده هستند. با وجود خطوط گرم و ارتباطات سریع، خطرانی وجود دارد که سوء تفاهم ها ممکن است باعث آتش سوزی بزرگ شود

RS: کدام عوامل و روندهای امیدوارکننده درازمدت علیه استفاده بین دولتی از نیروی مسلح را می‌بینید؟

Blix: اول، من در طول زمان تحول بزرگی را در اندکان عمومی در مورد جنگ و خشونت می‌بینم. از نظر تاریخی، جنگ و فتح زمین به عنوان شرکت های باشکوه تلقی می‌شد. این تحول، اگرچه ناهمگن است و نه یک جنبش سازمان یافته، به سمت خشونت کمتر و نگرش های انسانی تر پیش رفته است. افکار عمومی به لغو برده داری کمک کرد. جنبش های بشر دوستانه باعث ایجاد کنوانسیون های ژنو شد. مجازات اعدام در اکثر کشورها لغو شده و دوتل ممنوع است. بین جنگ جهانی اول و دوم فقط 20 سال فاصله بود، اما حدود 80 سال است که هیچ جنگ بزرگی بین قدرت های بزرگ نداشته ایم. و در حالی که ما از محدودیت های سازمان ملل آگاه هستیم، اما این یک مکانیسم مشترک حیاتی برای رسیدگی به درگیری ها و همکاری جهانی باقی مانده است.

دوم، در حالی که رقابت در روابط بین کشورها و بین افراد ذاتی است (بدون «خداحافظی»)، سلاح های هسته ای که برای حملات احتمالی اول و دوم در دسترس قدرت های بزرگ قرار گرفته است، آنها را به این نتیجه معروف می‌رساند که یک جنگ هسته ای نمی‌توان پیروز شد و هرگز نباید با آن جنگید. از سال 1945، هیچ سلاح هسته ای استفاده نشده است و آنچه به همان اندازه مهم است: با وجود این شبه تابو، ترس از استفاده، قدرت های بزرگ را نسبت به شروع یا درگیر شدن در اقداماتی که خطر تشدید تنش ها را تهدید می‌کند، محتاط کرده است. ترس از تشدید به فضا و A.I. جنگ ممکن است تأثیر مشابهی داشته باشد.

سوم، ترس از تشدید جنگ هسته ای باعث می‌شود دولت ها خود را به تهدیدها و ابزارهای فشار غیر جنبشی محدود کنند، مانند اقدامات سایبری، جنگ اقتصادی و مالی و براندازی.

RS: آیا واقعاً سلاح های هسته ای را تضمینی برای صلح می بینید؟

Blix: من فکر می‌کنم تعداد سلاح‌های هسته‌ای را می‌توان - و باید - به شدت کاهش داد و تا زمانی که ظرفیت حمله دوم باقی است، اثر بازدارنده خود را حفظ خواهند کرد. جهانی که به سلاح هسته ای صفر می‌رسد، ابزارهای دیگری برای مهار خود ایجاد خواهد کرد.

RS می‌خواستم از شما به طور خاص در مورد دو «انحراف» بالقوه در تز شما بپرسم که به نظر می‌رسد در ذهن بسیاری از مردم وجود دارد. 1) احتمال حمله چین به تایوان (که در کتاب خود به آن اشاره کرده اید)؛ و 2) پتانسیل گسترش جنگ اسرائیل و غزه به یک آتش سوزی منطقه ای گسترده تر در خاورمیانه (که پس از انتشار کتاب رخ داد).

فکر می‌کنید این دو منبع تنش چگونه با روندهای بلندمدت علیه جنگ بین‌دولتی که در کتاب شما شناسایی شده‌اند، قرار می‌گیرند؟ آیا شما معتقدید که یکی از اینها خطر قابل توجهی برای شروع به یک جنگ بین‌دولتی بزرگتر دارد؟

BLIX: تقاضای پکن برای ادغام تایوان در سرزمین اصلی چین ریشه اصلی آن در غرور است. چین، مانند دانمارک پس از جنگ جهانی دوم، رهایی یک جزیره بزرگ [ایسلند] را نخواهد پذیرفت. در عوض، موضع جداگانه تایوان به عنوان بخشی از تحقیر و تحقیر چین به دست غرب احساس می‌شود. این یک انگیزه برای ایجاد اتحاد مجدد است. اگرچه چین اصرار خواهد داشت که اقدام در قبال تایوان "بین‌دولتی" نیست، اما بازدارنده های قوی برای استفاده از نیروی مسلح وجود دارد. چین نمی‌تواند مانند پوتین معتقد باشد که اتحاد مجدد می‌تواند از طریق یک «عملیات نظامی ویژه» محدود حاصل شود. همانطور که در مورد اوکراین، مسئله اشغال به جای آزادی خواهد بود. مهم تر از همه، چین با مشاهده هزینه‌های فاجعه‌بار «انحراف» روسیه در اوکراین، به سختی خطر یک اقدام مسلحانه را که می‌تواند به جنگ و ویرانی گسترده‌تر منجر شود، بپذیرد.

چه چیزی در آینده نهفته است؟ امیدواریم که محدودیت‌های همه‌جانبه ادامه داشته باشد و طی آن **چین** به روابط اقتصادی پربار با **تایوان** ادامه داده و به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ جهان بدون نیاز به چسبیدن به تحقیرهای گذشته، احساس احترام فزاینده ای داشته باشد.

آیا درگیری غزه، از طریق برخی «انحرافات»، می‌تواند به یک آتش سوزی گسترده منفجر شود؟ ترکیبی از تلاش‌های متناقض در منطقه قطعاً انفجاری است، اما بدون مشارکت مستقیم و درگیری قدرت‌های بزرگ، یک آتش سوزی بزرگ بعید است. در جنگ داخلی در سوریه، دیدیم که چگونه ایالات متحده و روسیه مراقبت زیادی برای جلوگیری از هرگونه درگیری مستقیم در هوا انجام دادند. در طول جنگ غزه، قابل توجه است که به

نظر می‌رسد هر سه قدرت بزرگ - در واقع تمام جهان به جز اسرائیل - راه حل دو کشور را دوباره کشف کرده‌اند. اگرچه نتانیاهو ممکن است بخواهد تنش‌ها با ایران را برجسته کند و از هرگونه کاهش تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده و سایر فشارها بر ایران جلوگیری کند، اما ممکن است بخواهد جنگی کامل و مستقیم را برانگیزد. ایالات متحده تحت امر بایدن فعالانه به دنبال جلوگیری از چنین جنگی بوده است و چین و روسیه احتمالاً برای جلوگیری از فوران آن نفوذ اعمال می‌کنند. با این حال، یکی از چندین سوال بزرگ مطرح این است که چگونه می‌توان راه حل دو دولتی را با تعداد زیادی شهرک‌های اسرائیلی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین عملیاتی کرد.

RS: کتاب شما دلیل قانع‌کننده‌ای برای اهمیت دیپلماسی و تنش‌زدایی علاوه بر بازدارندگی نظامی به عنوان یک مانع در استفاده از نیروی جهانی است؟ وضعیت دیپلماسی امروز بین قدرت‌های بزرگ، یعنی آمریکا، روسیه و چین را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

BLIX: در شرایط پرتنش کنونی بین ایالات متحده و غرب از یک سو و روسیه و چین از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که ارتباطات متأسفانه و به طور خطرناکی پراکنده است و تا حد زیادی از طریق کانال‌های عمومی (روزنامه‌ها، تلویزیون) صورت می‌گیرد. این شیوه ارتباطی خطر برجسته کردن تفاوت‌ها را به همراه دارد. حتی بدتر از آن زمانی است که ارتباطات دیپلماتیک، فرهنگی و علمی محدود یا بسته شود. درک بسیار ظریف و فرصت‌هایی برای گشایش‌ها برای انطباق متقابل از بین می‌رود. به نظر من، سه دولت باید بیشتر از دیپلمات‌ها و فرستادگان ویژه با شنوایی دقیق و توانایی برقراری ارتباط و شناسایی فضاهای اقامتی استفاده کنند.

اکثر اختلافات بین دولت‌ها به طور معمول بین مقامات غیرنظامی صالح، از جمله دفاتر خارجی و نمایندگی‌های دیپلماتیک حل می‌شود. برای جلوگیری از درگیری‌های مسلحانه احتمالی، دولت‌ها از دیپلماسی با هدف تنش‌زدایی استفاده می‌کنند، اما نمایش نیروی نظامی - بازدارندگی - به طور کلی به عنوان مهم‌ترین راه برای جلوگیری از جنگ و حملات خصمانه در نظر گرفته می‌شود. در حال حاضر، تسریع در مسابقات تسلیحاتی، مانورهای نظامی و هزینه‌های نظامی سالانه جهانی بیش از دو تریلیون دلار نشان می‌دهد که دولت‌ها - به‌ویژه چین، روسیه و ایالات متحده - به بازدارندگی و آمادگی برای به خطر انداختن خطر جرقه‌ها و آتش‌سوزی اعتماد دارند. ما نمی‌دانیم که واقعاً چقدر دیپلماسی کم‌دیده در جریان است و می‌دانیم که ممکن است مسائلی وجود داشته باشد که جایی برای دیپلماسی وجود نداشته باشد. اما باید توجه داشته باشیم که درگیری‌های مسلحانه طولانی‌مدت و هولناک چندانی به مذاکرات و دیپلماسی ختم نمی‌شود و این پس‌نوشت متأسفانه است که راه حل نظامی ندارد. این ما را به این فکر می‌اندازد که آیا دیپلماسی نمی‌توانست قبلاً استفاده شود.

به نظر من، امروزه دیپلماسی به طور خطرناکی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و تلاش‌ها برای تطبیق و تنش زدایی اغلب به‌طور ناعادلانه مورد تحقیر قرار می‌گیرند. ما باید از هزینه‌ها و خطرات بازدارندگی نظامی بیشتر آگاه باشیم و آنها را به درستی با هزینه‌ها و خطرات مهار و تطبیق سنجید. حتی حاکمان سرسخت خطوط قرمز و بازدارندگی گاهی اوقات از محدود کردن نقش تسلیحات با پذیرش مناطق خاصی به عنوان غیرنظامی یا عاری از سلاح‌های هسته‌ای یا مستقر نیروهای خارجی حمایت می‌کنند. در واقع، مناطق عاری از تسلیحات هسته‌ای که بخش‌های بزرگ از جهان را پوشش می‌دهند، اقداماتی برای بازدارندگی هستند که به اقدامات بازدارنده ترجیح داده می‌شوند. تا همین اواخر، کشور خودم، سوئد، با عدم میزبانی از نیروهای خارجی و نپیوستن به ناتو به دنبال کمک به کاهش تنش در منطقه بالتیک بود. تنها پس از از بین رفتن امیدش به تنش زدایی توسط تجاوز روسیه به اوکراین بود که سوئد ترجیح داد در خطوط قرمز ناتو قرار بگیرد و به یک سیستم دفاعی مشترک بپیوندد. بازدارندگی ممکن است در نتیجه تقویت شده باشد - به قیمت افزایش تنش در منطقه بالتیک. الف

آخرین فکر - خارج از چارچوب: در سیستم‌های حقوقی ملی، ممکن است روند تلاش برای سازش برای زوج‌هایی که درخواست طلاق می‌کنند اجباری باشد. ما می‌دانیم که تلاش‌ها برای ترویج حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی از طریق ترغیب دولت‌ها به پذیرش صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری موفقیت محدودی داشته است. و فرآیندهای اجباری آشتی بین دولت‌های متعارض یک پیشنهاد بعید است. اما آیا می‌توان علاوه بر دیپلماسی آرام‌دبیرکل، مکانیسم میانجی‌گری سازمان ملل را برای استفاده در صورت درخواست طرف‌ها، مجمع عمومی، شورای امنیت یا دبیرکل ایجاد کرد؟ میانجی‌ها می‌توانند با دشواری کمتری نسبت به طرفین اختلاف بررسی کنند که چه مرحله‌ای از سازش یا مصالحه ممکن است برای کمک به جلوگیری یا توقف یک درگیری معقول باشد.

بلیکس یک وکیل بین‌المللی با مدرک Ph.D. از کمبریج (بریتانیا) و LL.D. از استکهلم او نماینده سوئد در حدود 20 جلسه مجمع عمومی سازمان ملل بود. او کمک کرد تا اعلامیه 1970 به اتفاق آرا در مورد تفسیر بخش‌های کلیدی منشور سازمان ملل متحد صادر شود. او برای چندین سال در دهه 1960 به آلوامیردال در کنفرانس خلع سلاح ژنو کمک کرد و او یکی از مذاکره‌کنندگان کلیدی در کنفرانس 1972 بود که کنوانسیون‌های ژنو را به روز کرد و کنوانسیون را علیه سلاح‌های به ویژه غیرانسانی تصویب کرد. او در سال 1978 وزیر امور خارجه سوئد و مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از 1981 تا 1997 بود. پس از جنگ عراق در سال 2003، او "خلع سلاح عراق" را نوشت.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله:

بلیز مالی بلیز مالی گزارشگر سابق Responsible Statecraft است. او همچنین سردبیر سابق The National Interest و خبرنگار-محقق در The New

Republic است. نوشته های او در *The New Republic*، *The American Prospect*، *The American Conservative* و سایر آثار منتشر شده است

----- **با تقدیم احترامات** **» 2024-09-03**